

تحلیل جامعه‌شناختی وضعیت دین‌داری جوانان با رویکردی شکلی دین‌ورزی

تقی آزاد ارمکی

دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

احمد غیاثوند

کارشناس ارشد جامعه‌شناسی

چکیده:

نقشی که دین در جامعه بر عهده دارد و نیز تأثیر آن در جامعه، به میزان تمهد و پای بندی افراد آن جامعه بستگی دارد. یکی از راه‌های سنجش این میزان، تحقیق در عقاید، شناخت و مناسک دینی موجود می‌باشد. پس از انقلاب اسلامی، به تبع تحولاتی که در ارزش‌های موجود رخ داد، نقش دین، چه در بُعد اجتماعی و چه در بُعد فردی، متحول شد. در این مقاله، وضعیت دین‌داری جوانان پس از انقلاب، با رویکردی به نام "بی شکلی دین‌ورزی" تبیین و تشریح می‌گردد. روش این تحقیق به شیوه پیمایش اجتماعی است و حجم نمونه‌ای برابر ۲۴۳ نفر از دانشجویان شش رشته تحصیلی دانشگاه تهران صورت گرفته است.

واژگان کلیدی: سکولاریسم و بحران مذهب، پلورالیسم، بحران سکولاریسم، ابعاد و

وضعیت دین‌داری جوانان، مؤلفه‌های دین‌داری، بی شکلی دین‌ورزی

طرح مساله

در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی، در شرایطی که از نابودی و یا به حاشیه رفتن دین سخن می‌رفت، انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ اتفاق افتاد؛ که در تاریخ انقلاب‌ها و نظریه‌های جامعه‌شناختی مربوط به تحولات اجتماعی و دینی نقطه عطفی بود.

به یک رویکرد، انقلاب اسلامی واکنشی به تر دعوت به سکولاریسم رژیم پهلوی بود. بنا به این رویکرد، چون این تر ارزش‌های غربی را ترویج می‌کرد در نتیجه، یک جنبش شکل یافته اسلامی، با اعتقاد به مخاطره انگیز بودن ارزش‌های مدرن غربی و با نظر به انفجار بزرگ عواطف دینی، به نقد عملی راهبرد تطابق با نظریه سکولاریسم رژیم سابق پرداخت. ولی در ایران، پس از گذشت دو دهه از عمر انقلاب اسلامی، مسائل و اختلاف‌هایی در زمینه نگرش و ارزش‌های دینی سر بر آورد که موجب ظهور گفتارهای متعارض در عرصه دین و دین‌داری شد؛ به حدی که برخی از افراد و مسئولان از وضعیت دین‌داری جوانان با عنوان "مساله" یاد کردند. این در شرایطی است که، مطابق نتایج تحقیقات، وضعیت دینی جوانان در سطح مطلوبی گزارش شده است. به عنوان نمونه، محمدرضا طالبان، در تحقیق خود در زمینه میزان دین‌داری جوانان، جمع‌بندی زیر را اعلام می‌دارد:

این پژوهش نشان می‌دهد که از هر شاخصی که برای دین‌داری استفاده کنیم، نه تنها دین‌داری و تعلق مذهبی جوانان نمونه تحقیق بحرانی و اسفناک نیست بلکه اکثریت مطلق آنان واجد تعلقات دینی بالایی هستند... مشاهدات این تحقیق مبنی بر میزان بالای دین‌داری جوانان کاملاً مغایر دیدگاه بدبینانه‌ای است که همواره وضعیت ایمان مذهبی جوانان و نوجوانان تهرانی را بسیار ضعیف و فاجعه‌آمیز ارزیابی می‌کنند. (طالبان، ص ۱۲۸)

همچنین سراج‌زاده نتیجه برآمده از تحقیق خود درباره دین‌داری جوانان را چنین گزارش می‌دهد:

یافته‌های این تحقیق از یک طرف نشان دهنده مقبولیت و عمومیت باورها و عواطف دینی در بین جوانان جامعه است و از طرف دیگر نشان دهنده گسترش تمایلات شخصی‌تر نسبت به دین

است. (سراج‌زاده، ص ۱۱۵)

در این راستا، بررسی حاضر، با عنایت به یافته‌های تحقیقات انجام شده، با نگاهی دوباره به وضعیت دین‌داری در بین جوانان (دانشجویان دانشگاه تهران) به ادعای آنانی که دین‌داری جوانان را تضعیف شده می‌دانند با تکیه بر نتایج حاصله از تحقیقات صورت گرفته - مبنی بر اینکه هیچ تضعیفی در دین‌داری جوانان دیده نمی‌شود - پاسخ‌هایی نظری و تجربی ارائه می‌دهد و نقاط ابهام در این نگاه‌ها و تضادها را روشن می‌کند - که ماحصل کار، در قالب رویکرد مناسبی به نام "بی‌شکلی دین‌ورزی" تدوین شده است.

در این بررسی، جهت تبیین مسأله نظری تحقیق، از نظرات پیتر بورگر استفاده می‌گردد.

ملاحظات نظری

دین، بارزترین جنبه فرهنگ بشری است و در عین حال، نهادی است که همیشه توجه متفکران بسیاری را در کنار دیگر نهادهای اجتماعی به خود جلب نموده است. در غرب دو پدیده اجتماعی بیش از هر چیز باعث "علم الاجتماع" یا "جامعه‌شناسی" گردید. یکی از آنها دین بود که بی‌هنگامی را به سختی می‌پذیرد و بسا آدمیان که این را خوش نمی‌دانند و دیگری معضل برهنگاری بود که جامعه را در معرض بی‌هنجاری (anomi) قرار می‌دهد و متفکران را به پیدا کردن راه چاره‌ای وادار می‌داشت. (علیزاده، ص ۴۷)

در راستای توجه جامعه‌شناسان به حوزه دین و دینداری، معمولاً جامعه‌شناسان به دو دلیل به مطالعه دین علاقه‌مند بوده‌اند: "اول این که، دین برای بسیاری از مردم بسیار مهم می‌باشد و اعمال دینی در زندگی افراد جایگاه مهمی دارد و ارزش‌های دینی بر رفتار و معنای دینی مدنظر آنان تأثیر دارد و در تفسیر تجربه‌های دینی به آنان کمک می‌کند و جامعه‌شناسان، برای درک معنی دین، آن را از نظرگاه خود مؤمنان بررسی می‌کنند. دیگر این که، دین موضوع مهمی برای مطالعه جامعه است؛ زیرا دین و جامعه بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند. تحلیل این روابط پویا مستلزم بررسی روابط دین و جوانان دیگر

جامعه می‌باشد؛ لذا جامعه‌شناسان جوامع بزرگ را از طریق کاوش در دین و تاثیر آن در جامعه بررسی کرده‌اند." (Mc Gurrie; P. 2)

در حقیقت، وظیفه اساسی جامعه‌شناسی دین مطالعه چگونگی تحقق اجتماعی دین و نهادهای دینی و نیز بررسی نحوه ارتباط متقابل بین پدیده‌های دینی و نهادهای اجتماعی است. "جامعه‌شناسی دین دو مضمون یا مسأله اصلی و کانونی دارد: یکی آن است که چرا باور داشت‌ها و عملکردها چنین نقش تعیین‌کننده‌ای در فرهنگ و جامعه دارد و دیگر، چرا باور داشت‌ها و عملکردها چنین صورت‌های گوناگون به خود گرفته‌اند." (همیلتون، ص ۲) با نظر به چنین دیدگاهی، جهت بررسی نظریات جامعه‌شناسی دین، اوانز پرینچارد (۱۹۶۵)؛ با در نظر گرفتن توالی تاریخی و رهیافت‌های نظری، به تقسیم‌بندی نسبتاً خامی در مورد انواع تبیین دین دست زد و نظریه تبیینی دین را به دو قسمت تقسیم نمود:

۱) نظریه‌های روانشناختی: این نظریه‌ها را می‌توان به نظریه‌های عقل‌گرایانه و عاطفه‌گرایانه بخش‌بندی کرد؛

۲) نظریه‌های جامعه‌شناختی: از میان نظریه پردازان جامعه‌شناسی دین، نظریات وبر، مارکس و دورکیم بیشتر از همه مورد توجه قرار گرفته‌اند و متفکران بعدی توجه و نظریات تکمیلی خود را بر روی نظریات آنان مبنی ساخته‌اند؛ به طوری که "نظریه معنا از جمله نظریاتی می‌باشد که با ترکیب بینش‌ها و رهیافت‌های عقل‌گرایانه، عاطفه‌گرایانه و جامعه‌شناختی دست‌کم بخشی از مسائل رهیافت‌ها را از میان برداشته است." (همیلتون، ص ۳۸۰) از نظریه پردازان معنا می‌توان به وبر، برگر، گیرنس، لاکمن و بلا اشاره کرد. با توجه به بحث نظریه معنا، پتر برگر یکی از پیشگامان با نفوذ بوده است که مانند وبر دین را یکی از سرچشمه‌های عمده‌ای می‌انگارد که آدم‌ها در اعصاب گوناگون کوشیده‌اند تا از طریق آن وجودشان را معنی‌دار سازند. (همیلتون، ص ۲۳۷)

نظریه‌های جامعه‌شناختی پتر برگر در زمینه دین

برگر، در نظریات خود، از رویکرد معرفت‌شناسانه جامعه‌شناسانی چون دورکیم، وبر و مارکس متأثر بوده است. وی در ادامه بحث‌هایی که در زمینه جامعه‌شناسی معرفت با لاکمن در کتاب *ساخت اجتماعی واقعیت* داشت، کتاب *سایبان مقدس (Sacred Canopy)* را نوشت و بعداً آن را به نام *واقعیت اجتماعی دین (Social Reality of Religion)* در سال ۱۹۷۳ دوباره منتشر نمود.

پیتر برگر در تشریح واقعیت اجتماعی دین، جامعه را پدیده‌ای دیالکتیکی و ساخته انسان می‌داند. از طرفی، جامعه - هم به صورت واقعیت عینی و هم ذهنی - وجود دارد و ماهیت و درک نظری این دو فرایند دیالکتیک عوامل رشد و پیش‌برنده اساسی‌ای دارد که عبارتند از:

الف) عینی‌سازی (objectivation): یعنی دستیابی به فعالیت‌هایی که به آن اجازه می‌دهد با دستاوردهای اولیه‌اش در قالب یک موجود بیرونی و غیر از خود مواجه شود؛

ب) برونی‌سازی (externalization): یعنی جریان برونی نمودن فعالیت‌های فیزیکی و اخلاقی انسان در جامعه؛

ج) درونی‌سازی (internalization): یعنی باز تولید این واقعیت از ساختار عینی دنیا به ساختار آگاهی ذهنی. (Berger, P.5).

در واقع، فرایند دیالکتیکی این مولفه‌ها است که واقعیت اجتماعی دین را می‌سازد. افراد جامعه، با برونی نمودن فعالیت‌ها و اعمال دینی برخاسته از اجتماع و سپس دست‌یابی به برخی از نمونه‌سازی‌های مشترک در بین خود، به دین شکل عینی می‌دهند. از این رو می‌توان گفت جامعه فرایندی است که به تجربه‌ها نظمی معنی‌داز می‌دهد. ما در جامعه ذاتاً ناگزیریم که نظم معنی‌داری بر واقعیت تحمیل کنیم. چه زندگی بدون چنین ادراک نظمی برای ما امکان‌پذیر باشد یا نه، شکی نیست که بسیاری یا بیشتر اعضای تقریباً شناخته شده بشری غالباً با حرارت و وسواس به دنبال چنین ادراکی‌اند؛ چنان‌که به دشواری می‌توان انکار کرد که فردی این نوع نیاز را احساس نکند و یا کمتر از دیگران احساس کند. اما بسیاری از انسان‌ها بدون برآورده شدن این نیاز به یک

صورت معین نمی‌توانند زندگی کنند" (همیلتون، ص ۳۸۰).

بنابراین، کارکرد معنابخش دین در جامعه است که موجب می‌شود نظم معنی‌دار به وجود آید. برگر این نظم معنی‌دار را ناموس (nomos) می‌نامد و می‌گوید که انسان‌ها معمولاً ناموس را به عنوان چیزی که در سرشت چیزها قرار دارد و به صورت تصویر بدیهی راستین و پذیرفته شده‌ای از واقعیت - به همان سان که واقعاً هست - در نظر می‌گیرند. اگرچه ناموس را انسان‌ها درست می‌کنند، به خاطر نیروی رمز و راز و حرمتی که برای آن قابل می‌شوند، آن را پدیده‌ای طبیعی و بخشی از جهانی که فراتر از اراده و توانایی است و کارکردش همچون سپری در مقابل ترس و هراس‌ها (Ashied against of terror) می‌باشد در نظر می‌گیرد ناموس می‌تواند هم عینی و هم ذهنی باشد. بعد از مدتی، این نظم معنی‌دار (ناموس) جنبه تقدس پیدا می‌کند و دز میان افراد نام‌دین به خود می‌گیرد. در واقع، از نظر برگر، دین (religion) یک کار سخت و تعهد (enterprise) انسانی است که عالم مقدس از طریق آن ساخته می‌شود. (Berger P:25)

به نظر برگر، جنبه بیرون‌شدگی مقدس خود را به صورت چیزی فراتر از انسان و مرتبط با پدیده‌های غیر انسانی نشان می‌دهد و با انسان همچون واقعیتی نیرومند غیر از خود مواجه می‌شود، سپس شکل واقعیت اجتماعی دین به خود می‌گیرد و این وجه خود را به عنوان یک "نظام معانی غایی" نشان می‌دهد. "برگر تأکید می‌کند که نظام معنی، برای وجود داشتن به یک اساس اجتماعی (social base) نیاز دارد، این اساس اجتماعی را ساختار اعتبار و پذیرش (plausibility) تعیین می‌کند - یعنی یک فرایند اجتماعی - تعاملی در شبکه‌ای از اشخاص در یک نظام معنی مشترک." (Mc Gurie, P:36)

فرایند صورت‌بندی دین از نظر برگر را می‌توان به صورت زیر به نمایش گذاشت:

جامعه ← نظم معنی‌دار ← ناموس ← عالم مقدس ← دین

به طور کلی، سه کارکرد عمده دین از نظر برگر عبارتند از:

۱) جلوگیری از بی‌هنجاری؛

۲) جلوگیری از خود بیگانگی؛

۳) مشروعیت بخشی.

برگر می‌گوید انسان‌ها چون فراموش‌کار هستند، باید مشروعیت‌ها را به آنان یادآوری کرد. در واقع، مشروعیت‌های دینی بر اساس یک تلقی همه‌جانبه از نظم مقدس جهان، یک نظم اجتماعی را ارائه می‌دهند و مناسک دینی این مشروعیت‌ها را به ما یادآوری می‌کنند و از این رهگذر به ایمان مشروعیت می‌بخشند.

عمل به مناسک نوعاً دو جنبه دارد: ۱- اعمالی که باید انجام شود (dromena)؛ و ۲- چیزهایی باید گفته شود (legoumena). از طرفی، انجام مناسک با تکرار مجدد قاعده مقدس - که حضور دوباره نام‌ها و اعمال خدایان است - ارتباط نزدیک دارد. (Berger; p. 39) در حقیقت، کیفیت مقدس به حوادث معمولی زندگی روزمره نسبت داده می‌شود و بوسیله مشخصه‌های فرا عادی حفظ می‌شود. این مشخصه‌ها به وسیله انواع مناسک بازتایید می‌شود و فقدان چنین چیزی برابر با سکولاریسم است.

سکولاریسم: برگر در بحث از مفهوم سکولاریسم، نقطه مقابل امر مقدس را دنیوی شدن (profane) - یعنی عدم حضور مقدس - می‌داند و انقسام واقعیت به حوزه مقدس و غیر مقدس را به درونی شدن تعهد دینی ارتباط می‌دهد.

برگر سکولاریسم را فرایندی می‌داند که طی آن "بخش‌هایی از جامعه و فرهنگ از نفوذ و سلطه نهادهای دینی و نمادها خارج می‌شود." (Berger, p. 107) از طرفی، سکولاریسم، هم سطح اجتماعی - ساختاری و هم سطح ذهنی دارد. مثلاً غرب مدرن، به طور فزاینده‌ای بر تعداد افرادی که به جامعه و زندگی‌شان بدون بهره‌گیری از تفسیرهای مذهبی نگاه می‌کنند می‌افزاید و به همین خاطر، ذهن اعتباری جامعه در نزد اعضای جامعه از بین می‌رود. (Berger, p. 107)

برگر، در تشریح فرایند سکولاریسم آغازگاه آن را حوزه اقتصاد، به ویژه بخش‌هایی که بر پایه سرمایه‌داری و صنعتی شدن شکل می‌یابد، می‌داند که سپس از آن جا به دیگر حوزه‌های جامعه تسری می‌یابد و دامنه این فرایند و تحول تابدان جاگسترش می‌یابد که

به سمت قطبی شدن (Polarized) می‌رود؛ یعنی از بین عمومی‌ترین و خصوصی‌ترین بخش‌های نظم نهادی، به ویژه نهادهای دولت و خانواده، یکی را انتخاب می‌کند و دولت به عنوان کارگزار اجرائی، به ویژه در حوزه نهاد دینی، دیگر کاری انجام نمی‌دهد اما دین در مسایل مربوط به خانواده و روابط اجتماعی تنگاتنگ با آن همچنان بالقوه واقعیتی غیر قابل انکار می‌ماند. به عبارت دیگر، دین، به عنوان یک انگیزه و نیز یک عامل مهم در تفاسیر و طرز تلقی مردم و فعالیت‌های روزمره اجتماعی، همچنان نشان و جایگاه خود را حفظ می‌کند. جالب آن‌که ظهور دوباره حقانیت دین در خانواده، حتی در میان قشرهای بسیار غیر مذهبی نیز نمود می‌یابد. بدین ترتیب، دین در قلمرو زندگی خصوصی روزمره اجتماعی جای می‌گیرد و تحت تاثیر ویژگی‌های خاص همان قلمرو در جامعه امروزی، تغییر و تحول پیدا می‌کند. یکی از اساسی‌ترین ویژگی‌ها در این قلمرو همانا "فردگرایی" است بدین معنی که "دین خصوصی شده" چیزی جز انتخاب (choice) یا اولویت (preference) فرد یا خانواده هسته‌ای نیست و فی‌نفسه فاقد خصوصیات جمعی و کیفیات تحمیلی است. این دین خصوصی شده، دین افرادی است که آن را انتخاب می‌کنند تا به خود واقعیت بدهند ولی دیگر قادر نیستند نقش پیشین خود را ایفا کنند. نقش پیشین آنان، ساختن جهانی مشترک بود که در تمام مظاهر حیات اجتماعی آن به غایتی یکتا برسند و معتقدان به این غایت را گرد هم آورند. (برگر، ۱۳۶۵، ص ۶۷)

از بحران مذهب تا بحران سکولاریسم

از آنجا که اندیشه فرایند سکولار شدن جوامع محصول ایدئولوژی عصر روشنگری می‌باشد، برگر و طرفداران تئوری سکولاریسم در بحث از جایگاه دین مدرنیته را دشمن اجتناب‌ناپذیر دین معرفی کردند؛ یعنی هر چه جامعه مدرن شود، به تدریج بی‌دین می‌شود. ولی اخیراً با شروع انتقادات و مذاکرات آشکار، به تدریج از اعتبار تئوری سکولاریسم کاسته شد و نمودهای ضد سکولاریسم در دهه‌های اخیر، در قالب شکل‌گیری جنبش‌های مقاومت دینی، به وجود آمد و تردیدها به تئوری سکولاریسم را

افزایش داد.

برگر می‌گوید در دنیای متجدد کنونی دو راهبرد در برخورد با مسئله تجدد و دین وجود دارد:

(۱) راهبرد جنبش‌های دینی: برجسته‌ترین نمود ظهور جنبش‌های دینی در کشورهای جهان سوم ایران است که به تنهایی تردیدهایی را دربارهٔ رابطهٔ تغییرناپذیر میان تجدد و سکولاریسم به وجود آورده است.

(۲) راهبرد احیای دینی. قلمرو آشکار ضدسکولاریستی این احیای دینی کشورهای جماهیر شوروی سابق است. حوزهٔ این احیای دینی، آرتدکس روسی، یهودیان شوروی و فرقه‌های پروتستان و مسلمان آسیای میانه را در بر می‌گیرد و تئوری سکولاریسم را در نزد آنان بی‌اعتبار کرده است.

با توجه به این تحولات، برگر یکی از مهمترین ویژگی‌های سکولاریسم در عصر فعلی را ارتباط میان سکولاریسم و پلورالیسم می‌داند. که متقابلاً همدیگر را تقویت می‌کنند؛ به ویژه آنکه پلورالیسم نیز خود یک پدیدهٔ مدرن است و همچون سکولاریسم، در برخی جوامع واکنش‌هایی را در پی داشته است. پلورالیسم نیز به نارضایتی‌های خاصی دامن زد و کاملاً "ضد شکل‌گرا" است و تمام قطعیت‌های دینی را به معارضه می‌طلبد. پلورالیسم به شک‌گرایی بیشتر از ایمان، و به گشودگی هنجاری و شناختی بیشتر از یکدستی بها می‌دهد. و لئو این که تمایل به قطعیت و ایمان دینی در انسان ریشه عمیقی دارد و تحمل بی‌پایان گشودگی برای او دشوار است و پاره‌ای واکنش‌ها را در پی می‌آورد.

این واکنش‌ها معمولاً به دو شکل نمود می‌یابد: (۱) معتدل؛ (۲) آرمانی. شکل معتدل این نوع مقاومت‌ها در صدد بازسازی اجتماع دینی نیست اما خود را به دنیای اجتماعی مشابه محدود می‌کند و موجب به وجود آمدن برخی فرقه‌ها یا پازه فرهنگ‌های دینی می‌شود. در حالی که شکل آرمانگرایانه و ضد سکولاریستی و ضد پلورالیستی این واکنش‌ها، بازسازی اجتماعی و اخلاقی دین را در کل جامعه - تحت عنوان عقاید و

ارزش‌های سنتی - جستجو می‌کند. نمونه‌های این جنبش‌ها را در ایران و ایوانجلی می‌توان سراغ گرفت. (Berger, 1983: 640-5)

برگر، در مقاله‌ای که در زمینه دین و آسیب‌شناسی دین می‌باشد، نوشته‌ها و کتاب‌های خود، به ویژه سایبان مقدس را به نقد می‌گیرد و در این مرحله از کار خود به سکولاریزاسیون می‌پیوندد. او می‌گوید: "دنیای امروز همانقدر مذهبی است که همیشه بوده است" (برگر، "برخلاف جریان"، ص ۳۰)؛ چون دیگر دنیوی شدن - در معنای مدرن شدن - را الزاماً مسبب زوال دین نمی‌داند و هر چند پذیرش مدرنیت را غیر قابل اجتناب می‌داند، می‌گوید این امر، به خودی خود، به سکولاریسم منجر نمی‌شود. و می‌گوید: اگر چه مدرنیت عوارض سکولارکننده‌ای به همراه دارد، جنبش‌های نیرومند ضد سکولار را هم برانگیخته است. برگر به طور موردی درباره جنبش‌های ایوانجلی و نیز انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ به مطالعه پرداخت و درباره انقلاب ایران می‌گوید: "ممکن بود در ایران یک انقلاب اسلامی بدون آیت‌الله خمینی (ره) اتفاق می‌افتاد، ولی آن انقلاب که رخ می‌داد کاملاً متفاوت می‌بود. ظهور شخصیت‌های کاریزماتیک را - که جنبش‌های نیرومند دینی را در جاهایی که کسی انتظار آن را ندارد پی می‌افکنند - هیچ کس نمی‌تواند پیش‌بینی کند." (برگر، "برخلاف جریان"، ص ۳۲) به طور کلی، پس از تعمق در نظریات برگر دو تفکر رخ می‌نماید:

۱) تفکر برگر در دهه ۶۰: که با یک رویکرد معرفت‌شناسانه به طرح تئوری سکولاریسم و بحران مذهب می‌پردازد و آن را ناشی از اقتصاد فناوری شده و جریان مدرن شدن جامعه می‌داند.

۲) تفکر برگر در دهه ۹۰: در این برهه، برگر در نظریات خود به تعدیل می‌گراید و در کنار نسبت دادن پاره‌ای عوارض سکولار به مدرنیت، آن را عامل به وجود آمدن جنبش‌های دینی نیز می‌داند و تایید می‌کند که خود فرایند سکولاریسم نیز با بحران روبرو شده و حتی در گفته‌های آخرش افول سکولاریسم را پیش‌بینی می‌کند.

انقلاب اسلامی و تحولات دینی

اگر از روزنه نظریات برگزیده جامعه مسلمان ایران نظر افکنیم، باید گفت که تا اوایل دهه ۱۹۸۰ دز میان متفکران علوم اجتماعی و سیاسی این تمایل وجود داشت که نیروی دین را در جنبش‌ها و تحولات اجتماعی نادیده بگیرند. ولی با رخ دادن انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، دوباره توجه‌ها به نقش و اهمیت دین در جامعه معطوف شد. ابرونیک، می‌گوید: پیامد انقلاب مذهبی و مهم امام خمینی (ره) هر چه باشد، وضعیت ایران در ماه‌های نخست سال ۱۹۷۹، حداقل نشان می‌دهد که جامعه بالقوه مستعد بود که امور مقدس را در تجمع‌های مردمی تجدید کند. (ابرونیک، ص ۱۵)

انقلاب و احیای دین باعث شد که باورهای اسلامی و همچنین طرز نگاه به نوع دینداری، شکل‌ورزی‌های دینی، نهاد دین و جریان مدرن شدن جامعه تغییر کند. برگر می‌گوید که اسلام برای کنار آمدن با نهادهای مدرن مثل کثرت‌گرایی، دموکراسی و اقتصاد بازار روزهای سیختی را پشت سر می‌گذارد.

پنابراین، با توجه به این همه تغییرات در جامعه، با انواع تیپولوژی در عرصه دین‌داری و دین‌ورزی روبرو می‌شویم. آنچه حایز اهمیت است بررسی وضعیت دین‌داری جوانان، به ویژه دانشجویان، می‌باشد که با توجه به تحولات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جامعه و ازدیاد تحصیل‌کرده‌های دانشگاهی روشن شود که چه ویژگی‌ها و مولفه‌های نوین دینی در وضعیت دین‌داری آنان نمود دارد. در این راستا، بررسی حاضر، با تکیه بر نظرگاه برگر به سنجش وضعیت دین‌داری دانشجویان می‌پردازد تا در خصوص نحوه تغییرات دین‌داری آنان پاسخ‌های مناسبی ارائه دهد.

روش‌شناسی تحقیق

با توجه به انجام روش تحقیق پیمایشی در این بررسی، جامعه آماری تحقیق را دانشجویان دختر و پسر دوره روزانه دانشگاه تهران در سال تحصیلی ۷۹-۸۰ (گروه‌های تحصیلی علوم انسانی، علوم پایه، فنی و هنر) تشکیل می‌دهند. جهت پوشش

متغیری تحقیق، برای نمونه گیری، از روش نمونه گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شده است. بدین صورت که در مرحله اول، از میان دانشکده‌ها، در مرحله دوم از میان رشته‌ها، و در مرحله سوم از میان دانشجویان، مطابق با فرمول پیش برآورد حجم نمونه (p.q) ۲۶۳ نفر (جامعه آماری ۱۶۳۷۳) از شش رشته تحصیلی بر علوم اجتماعی، الهیات، جغرافیا، مهندسی برق، ریاضی و کامپیوتر و مهندسی شیمی - دانشجویانی انتخاب شدند که جمعیت نمونه ما را تشکیل می‌دهند.

روش سنجش دین‌داری

بعضی محققان میزان دین‌داری را از یک بعد (کلوز سرکلیف) می‌سنجند، ولی بیشتر محققان عرصه جامعه‌شناسی دین از قبیل واج، دواس، کمال، النوفی، اینگلهارت گلاک، و استارک بر اهمیت سنجش چند بعدی آن توجه دارند. از آن جا که برگر در حوزه نظریه پردازان معنا - که تلفیقی از رهیافت‌های عاطفه‌گرایانه، عقل‌گرایانه و جامعه‌شناسانه می‌باشد - قرآن دارد و نیز با نظر به تعریف جوهری وی از دین، استفاده از مدل گلاک و استارک (Glock And Stark) در راستای تحقیق پیش‌رو همخوانی بیشتری با جامعه‌آزمایی تحقیق ما دارد؛ لذا برای تکمیل کردن جنبه عملیاتی بخشیدن به نظریه برگر از آن استفاده می‌کنیم.

به نظر گلاک و استارک، در همه ادیان بزرگ، به زغم تفاوت‌هایی که در جزئیات با یکدیگر دارند، عرصه‌های مشترکی وجود دارد که دین‌داری در آن‌ها متجلی می‌شود. این عرصه‌ها - که می‌توان آن‌ها را ابعاد مرکزی دین‌داری به حساب آورد - عبارتند از:

- ۱- بُعد اعتقادی (باورهای دینی): باورهایی که انتظار می‌رود پیروان آن دین بدانها اعتقاد داشته باشند؛

- ۲- بُعد مناسکی (اعمال دینی): به اعمال دینی مشخصی همچون نماز، شرکت در آئین‌های دینی خاص، روزه گرفتن و... که انتظار می‌رود پیروان هر دین آنها را به جا

آورند گفته می‌شود.

۳- بُعد تجربی (عواطف دینی): به عواطف، تصورات و احساسات مربوط به داشتن رابطه با جوهر ربوبی - خدا یا واقعیتی غایی یا اقتدار متعالی - گفته می‌شود.

۴- بُعد تفکری (دانش دینی): به اطلاعات و دانسته‌های مبنایی در مورد معتقدات هر دین، که پیروان آن دین باید آنها را بدانند، گفته می‌شود.

۵- بُعد پیامدی (آثار دینی): به اثر باورها، اعمال، تجارب و دانش دینی در زندگی روزمره پیروان گفته می‌شود. (سراج‌زاده، ۶-۵، ۱۰۵ و Glock And Stark, P. 20-21)

جهت شاخص‌سازی مفهوم دین‌داری و یافتن مؤلفه‌های آن، با توجه به ابعاد پنجگانه دین‌داری یک دانشجوی مسلمان، از سنجه‌هایی نظیر خداوند، قرآن، نماز، روزه و قیامت استفاده گردیده است و هر یک از سنجه‌ها، در ابعاد دین‌داری منطبق با اصول دین اسلام تعریف شده است.

جهت سنجش میزان پایایی، از آزمون ضریب آلفای کرونباخ (Alpha Cronbachis Coefficient) استفاده شده و نتیجه ارائه شده برگرفته از ۲۸ سوال ($\text{Alpha} = 0/8$)، می‌باشد.

جهت سنجش روایی سؤال‌ها، از پاسخگویان خواسته شده که به سؤال "به طور کلی چه قدر خودتان را فردی مذهبی می‌دانید؟" بر روی یک طیف هشت قسمتی به خود نمره‌ای بدهند. طبق نتیجه به دست آمده، ضریب همبستگی سؤال با کل ابعاد دین‌داری دانشجویان رابطه مثبت و معنی‌دار " $\text{r} = 0/64$ ، $\text{P} = 0/000$ " می‌باشد که نشان می‌دهد روایی بیرونی سؤال‌ها مناسب می‌باشد. همچنین، برای بالا بردن سطح کیفیت ضوری سؤال‌ها، از داوران و صاحب‌نظران دینی کسب نظر شده است و با استفاده از روش تحلیل عاملی چند مرحله‌ای، سعی شده است که به سطح سازگاری و تناسب سؤال‌ها نیز کیفیت مطلوبی داده شود.

نمونه آماری تحقیق

از ۲۴۳ نفر دانشجوی نمونه، ۲/۵۰ درصد دختر و ۸۰/۴۹ پسر هستند و از این تعداد، ۶/۸۵ درصد مجرد و ۶/۱۳ درصد متأهل هستند. بیشترین فراوانی (۵۵ درصد) پینی پاسخگویان را دانشجویان ۲۵-۲۱ ساله تشکیل می‌دهند. از کل این دانشجویان، ۱۸ درصد علوم اجتماعی، ۲۰ درصد الهیات، ۱۱ درصد جغرافیا، ۱۵ درصد برق، ۱۴ درصد ریاضی و ۱۲ درصد شیمی تحصیل کرده‌اند. همان‌طور که قبلاً ذکر شد، مفهوم دین‌داری، در این تحقیق، به پنج بعد تقسیم شده و برخی نتیجه‌های مسلمانی، به تناسب در نظر گرفته شده است.

جدول ۱ و ۲ به توزیع فراوانی پاسخ‌گویان بر حسب ابعاد پنجگانه به همراه طیف قسمتی و میانگین متغیرها می‌پردازد.

یافته‌های تحقیق

۱- بُعد اعتقادی پاسخگویان

همان‌طور که در جدول ۱ ملاحظه می‌شود، بیشترین فراوانی در بُعد اعتقادی، دو گزینه "کاملاً موافق" (۱۴/۵۵ درصد) و کمترین فراوانی، گزینه "کاملاً مخالف" (۴/۰۴ درصد) می‌باشد.

۲- بُعد عاطفی (تجربی) پاسخگویان

همان‌طور که در جدول ۲ ملاحظه می‌شود، بیشترین فراوانی در بُعد عاطفی دین‌داری دانشجویان، گزینه "کاملاً" (۳۷ درصد) و کمترین فراوانی مربوط به گزینه "خیلی کم" (۳/۲۸ درصد) می‌باشد.

جدول ۱: نسبت درصد دانشجویان بر حسب بعد اعتقادی دین

کاملاً	خیلی موافق	موافق	متوسط	متوسط به بالا	متوسط	متوسط پایین	مخالف	مخالف کاملاً	اصلاً	بعد اعتقادی دینی
۶۳/۴	۱۱/۵	۷	۵/۸	۳/۴	۳/۴	۳/۴	۳/۴	۱/۴	۱/۸	بدون پرورش خدا زندگی معنا و مفهوم ندارد. قرآن کاملاً خداست و هر چه می گوید حقیقت است. نماز موجب پرورش ایمان و تقویت بندگی است. من مستقیم و درنگ نکنم، زرسا و رضایانه، دینداری من لقمه نمی زند.
۶۸/۷	۷/۸	۶/۸	۴/۵	۴/۵	۴/۵	۴/۵	۴/۵	۱/۲	۱/۲	با بودن جهان دیگر مرگ قابل تحمل و متعارف است.
۴۲/۸	۸/۶	۱۱/۸	۷/۴	۹/۱	۴/۹	۴/۹	۴/۵	۱/۶	۱/۲	متن
۴۸/۱	۹/۵	۴/۱	۴/۹	۴/۹	۵/۳	۴/۵	۴/۵	۱/۶	۱/۲	متن
۵۲/۷	۱۴	۹/۱	۹/۵	۲/۷	۵/۳	۱/۲	۱/۲	۱/۶	۱/۲	متن
۳۵/۷	۵/۱۸	۲/۳	۳/۵	۱۳/۵	۲/۹	۱۶/۴	۱۶/۴	۱۰/۲	۲۰/۸	کل
۵۵/۱۴	۱۰/۳۶	۷/۶۶	۴/۷	۴/۷	۴/۱۸	۴/۱۸	۳/۷۸	۲/۲۴	۴/۱۲	بر حسب طیف

۲ میانگین = ۵/۶

۱/۳۱ = انحراف معیار

جدول ۲: نسبت درصد دانشجویان بر حسب بعد عاطفی دین

کاملاً	خیلی موافق	موافق	متوسط	متوسط به پایین	مخالف	کاملاً مخالف	اصلاً	بعد عاطفی دین
۲۱/۶	۱۱/۵	۱۶/۵	۶/۷	۰/۷	۶/۶	۳/۳	۲/۱	بعضی وقتها احساس گرمی از خدایه من دست می دهد.
۲۲/۶	۱۰/۷	۱۵/۳	۱۱/۶	۶/۲	۲/۱	۶/۲	۷	من با قرآن انس دارم و خوب اندیش برایش لذت بخش است.
۳۲/۶	۱۲/۸	۱۱/۵	۸/۲	۵/۳	۳/۳	۱/۶	۷/۲	من با دعا و خیراندان احساس می کنم به خدا نزدیکتر می شوم.
۲۱/۸	۱۳/۲	۱۱/۱	۸/۶	۶/۳	۲/۸	۵/۳	۱۲	با دوره گرفتن رنج گرسنگی را کمتر احساس می کنم.
۸۲/۵	۲/۳	۳/۷	۱/۶	۱/۲	۰/۸	۰	۰/۸	خنده چیز او خداست نهایت به تنگی او ناز نمی گردیم.
۱۸۵/۱	۵۲/۵	۵۸	۲۲/۷	۲۵/۸	۱۹/۷	۱۶/۲	۳۳/۳	جمع
۳۷	۱۰/۷	۱۱/۶	۸/۵۲	۵/۸	۳/۸۲	۳/۲۸	۶/۶	بر حسب طبقه

۵/۶ = میانگین

۳۰

۱/۳۳ = انحراف معیار

۳- بُعد مناسکی پاسخگویان

همانطور که در جدول ۳ ملاحظه می‌شود، بیشترین فراوانی در بُعد مناسک جمعی دین، گزینه "کاملاً" (۳۶/۶ درصد) و در مناسک فردی، گزینه "اصلاً" (۲۶/۳۰ درصد) می‌باشد.

جدول ۳: نسبت درصد دانشجویان بر حسب بُعد مناسکی دین

کاملاً	خیلی موافق	موافق	متوسط به بالا	متوسط	متوسط به پایین	مخالف	خیلی مخالف	اصلاً	مناسک فردی دین
۲۲/۶	۱۱/۱۰	۱۶/۱۵	۱۶/۹	۱۲/۲	۳/۷	۱/۲	۲/۱	۱/۶	گاهی احساس گناه می‌کنم و از خداوند طلب استغفار می‌کنم.
۲۲/۶	۱۰/۷	۸/۲	۹/۷	۱۲	۱۱/۹	۱۵/۶	۱۵/۲	۱۸/۹	چقدر در طول هفته، قرآن می‌خوانید.
۲۳/۶	۱۲/۸	۲/۵	۲/۹	۲/۵	۲/۷	۲/۵	۲/۵	۱۰/۷	من نماز می‌خوانم.
۲۱/۸	۱۲/۲	۲/۵	۲/۹	۲/۵	۲/۷	۲/۹	۲/۲	۷/۸	دو یا سه مرتبه در رمضان (چنانچه مرخص یا مسافر نباشید) روزه می‌گیرید.
۸/۱۵	۲/۲	۱۳/۶	۱۰/۷	۶/۶	۵/۳	۱/۲	۲/۱	۳/۳	بعضی از کارهایم برای آخر نیم‌دوره می‌سازم.
۱۸۵/۱	۳۲/۵	۵۸	۵۶	۲۲/۷	۲۵/۹	۹/۷	۱۶/۲	۳۳/۲	جمع کل
۲۷	۱۰/۷	۱۱/۶	۱۱/۲	۸/۵۲	۵/۸	۹/۲	۲/۲۸	۶/۶	بر حسب طبقه
-	-	-	-	-	-	-	-	-	مناسک جمعی دین
۱/۲	۱/۶	۲/۹	۵/۳	۸/۲	۸/۶	۱۳/۶	۱۸/۹	۲۳/۸	در جلسات قرآن و تفسیر قرآن شرکت می‌کنید.
۳/۲	۱/۲	۵/۸	۱۱/۹	۱۲/۲	۷/۲	۱۲/۸	۱۲/۲	۲۸	در نماز جماعت شرکت می‌کنید.
۲/۵	۵/۸	۸/۷	۱۷/۲	۹/۲۱	۱۶	۶/۲	۳/۲	۶۶/۳	جمع کل
۲/۲۵	۲/۹	۲/۲۵	۸/۶	۲/۷	۸	۳/۲	۱۵/۶	۳۲/۱	بر حسب طبقه
۲/۲۵	۲/۹	۲/۲	۸/۶	۲/۷	۸	۳/۲	۱۵/۶	۳۲/۱	بر حسب میانگین
۱۱/۲۲۴	۶/۱	۶/۸	۹/۲	۶/۶	۶/۶	۸/۹	۱۱/۳	۲۰/۲	جمع مناسک جمعی و فردی

۱۳۳۰/۲/۲۱

۴- بُعد پیامدی پاسخگویان

همانطور که در جدول ۴ ملاحظه می‌شود، در زمینه سوال‌های مربوط به بُعد پیامدی دین، بیشترین فراوانی مربوط به گزینه "کاملاً" (۴۲/۸ درصد) و کمترین فراوانی مربوط به گزینه "خیلی مخالف" (۲/۳۸ درصد) می‌باشد.

جدول ۴: نسبت درصد دانشجویان بر حسب بُعد پیامدی دین

کدام	خیلی موافق	موافق	متوسط به بالا	متوسط	متوسط به پایین	مخالف	خیلی مخالف	اصلاً	بُعد پیامدی دین
۵۸/۱	۱۳/۳	۱۲/۷	۶/۶	۵/۸	۰/۸	۲/۳	۰	۱/۲	خداوند همیشه راه‌های کارها و مشکلات من در زندگی ام بوده است.
۲۰/۶	۹/۵	۱۶/۵	۱۲/۳	۱۲/۸	۶/۲	۵/۳	۴/۹	۸/۲	فرآن خواندن در زندگی ام مؤثر و از آن در رفتار و ایثارم بهره می‌جویم.
۲۳/۵	۱۷/۳	۱۲	۲/۹	۱۱/۱	۵/۳	۵/۸	۲/۵	۹/۹	نعاذ خواندنم موجب می‌شود که مواظب اعمال و رفتار روزانه‌ام باشم.
۳۹/۵	۱۱/۹	۱۲/۸	۱۱/۵	۷	۱/۳	۲/۵	۲/۹	۵/۳	روزگار من موجب تندرستی و سلامتی می‌شود.
۷۲	۶/۶	۶/۲	۲/۵	۲/۸	۱/۲	۱/۶	۱/۶	۱/۲	اعمال خوب و بد انسان در روز جزا محاسبه می‌شود.
۲۱۴	۵۷/۶	۶۰/۲	۳۲/۹	۳۹/۷	۱۷/۷۸	۶۸/۵	۱۱/۹	۲۶/۷	جمع
۴۲/۸	۱۱/۵۲	۱۲	۷/۹۸	۷/۹۲	۲/۵	۳/۷	۲/۳۸	۵/۳۲	بر حسب طیف

۵/۹۳=سیانگین

۱/۷۰=انحراف معیار

۵- بُعد شناختی پاسخگویان

نتایج به دست آمده، بیانگر آن است که در زمینه بُعد شناختی دین، بیشترین فراوانی مربوط به گزینه "کاملاً" (۴۱/۲ درصد) و کمترین فراوانی مربوط به گزینه "خیلی مخالف" (صفر) می‌باشد. (البته نتایج با توجه به محاسبه نمره سوالات، جمع شده و سپس نوشته شده است.)

جدول ۵: نسبت درصد دانشجویان بر حسب بُعد شناختی دین

بُعد شناختی دین	اصلاً مخالف	خیلی مخالف	مخالف	متوسطه پایین	متوسط	متوسطه بالا	خیلی موافق	کاملاً موافق
جمع	۰/۰۴	۰	۰/۰۸	۲/۱	۲/۱	۸/۶	۱۲/۸	۱۷/۷

میانگین = ۶/۸۳

انحراف معیار = ۱/۶۱

وضعیت کلی ابعاد دین‌داری پاسخگویان

پس از آن که گویه‌های مربوط به پنج بُعد مفهوم دین‌داری را با هم ترکیب نمودیم و ابعاد پنجگانه ساخته شد، هر پنج بُعد دین را با هم جمع نمودیم و دین‌داری کنل پاسخگویان را به دست آوردیم. جدول ۶ وضعیت دین‌داری دانشجویان را بر حسب شاخص‌های آماری مناسب نشان می‌دهد.

جدول ۶: نسبت درصد دانشجویان بر حسب ابعاد پنجگانه دین

ابعاد دین	اصلاً مخالف	خیلی مخالف	مخالف	متوسطه پایین	متوسط	متوسطه بالا	خیلی موافق	کاملاً موافق	میانگین	جواب
بُعد اعتقادی	۲/۰۲	۲/۰۴	۲/۲۸	۲/۱۸	۲/۷	۶/۱۸	۷/۶۶	۱۰/۳۶	۵۵/۱۰	۲/۴۶
بُعد عاطفی	۶/۶۶	۳/۴۸	۳/۹۴	۵/۸	۸/۵	۱۱/۲	۱۰/۷	۱۰/۷	۳۷	۱/۶
بُعد پیامدی	۵/۳	۲/۳	۳/۷	۲/۵	۷/۹	۷/۵	۱۲	۱۱/۵	۲۲/۸	۱/۵
بُعد مناسکی	۲/۷۷	۱/۱۳	۶/۶	۹/۴	۶/۸	۶/۱	۱۹/۲	۱/۳	۱۹/۴	۱/۳
بُعد شناختی	۰/۰۴	۰	۰/۰۸	۲/۱	۲/۱	۸/۶	۱۲/۸	۱۷/۷	۱۴/۹	۶/۲۰
جمع کل ابعاد	۷/۶	۲/۵	۱۵/۲۰	۵/۲۸	۶/۵	۹	۱۰	۱۰/۵	۳۶	۲/۵

میانگین = ۵/۶۸

انحراف معیار = ۲/۲۸

میانگین وضعیت دین‌داری، با توجه به ترکیب ابعاد دین‌داری پاسخگویان، ۵/۶۸ می‌باشد که با توجه به دامنه بالقوه تغییر در نمرات پاسخگویان در طیف هشت قسمتی،

میانگین حاصله نشان می‌دهد که دین‌داری دانشجویان از حد متوسط بالاتر است. با توجه به جدول فوق و با گروه‌بندی طیف هشت قسمتی به پنج دسته، ۳۶ درصد دانشجویان دارای نمره دین‌داری بسیار قوی، ۲۱ درصد قوی، ۲۲ درصد متوسط، ۱۰ درصد ضعیف و ۹/۵ درصد خیلی ضعیف می‌باشند. شرح ابعاد دین‌داری عبارت است از:

- بُعد اعتقادی: در این بُعد، میانگین نمره پاسخگویان ۵/۶۵ می‌باشد؛ به طوری که ۵۵ درصد پاسخگویان دارای اعتقادی بسیار قوی، ۱۸ درصد قوی، ۱۵ درصد متوسط، ۵/۳ درصد ضعیف هستند.

- بُعد شناختی: در این بُعد، میانگین نمره پاسخگویان ۶/۸۳ درصد می‌باشد؛ به طوری که ۷۵ درصد افراد دارای شناختی قوی، ۱۷ درصد متوسط و ۱/۲ درصد ضعیف هستند.

- بُعد عاطفی: در این بُعد، میانگین نمره پاسخگویان ۵/۹۷ می‌باشد؛ به طوری که ۳۷ درصد بسیار قوی، ۲۲/۳ درصد قوی، ۲۵/۵ درصد متوسط، ۷/۲ درصد ضعیف و ۶/۷ درصد خیلی ضعیف می‌باشند.

- بُعد پیامدی: در این بُعد، میانگین نمره پاسخگویان ۵/۹۲ می‌باشد؛ به طوری که ۶۶ درصد افراد دارای بُعد پیامدی قوی، ۱۹ درصد متوسط و ۱۱/۴ درصد ضعیف هستند.

- بُعد مناسکی: در این بُعد، میانگین نمره پاسخگویان ۴/۴۱ می‌باشد؛ به طوری که در بُعد مناسک فردی، ۳۶/۶ درصد بسیار قوی، ۱۸/۷ درصد قوی، ۲۴ درصد متوسط،

۱۰/۷ درصد ضعیف و ۸/۴۶ درصد خیلی ضعیف هستند؛ ولی در بُعد مناسک جمعی ۹/۳ درصد پاسخگویان بسیار قوی، ۸/۷ درصد قوی، ۲۱ درصد متوسط، ۲۹

درصد ضعیف و ۳۳ درصد بسیار ضعیف هستند.

تحلیل و تبیین مؤلفه‌های دین‌داری جوانان

با توجه به یافته‌هایی به دست آمده جهت تبیین مسئله دین‌داری در بین جوانان، به برخی

مؤلفه‌های دین‌داری در زیر اشاره می‌شود که عبارت‌اند از:

- ۱- مؤلفه مناسک فردی و خصوصی شدن دین. همان طوری که ملاحظه شد، در مقایسه ابعاد دین‌داری دانشجویان، بُعدهای شناختی، پیامدی، اعتقادی، عاطفی و مناسکی به ترتیب، بیشترین تا کمترین میانگین نمره را دارند؛ به ویژه، در بُعد مناسک جمعی، شرکت در نماز جماعت و شرکت در جلسات قرآن پایین‌ترین نمره را به دست آورده‌اند. بنابراین، در بررسی میانگین نمره مناسک و فرائض دینی در بین پاسخگویان، به این نتیجه می‌رسیم که میزان شرکت دانشجویان در مناسک جمعی کاهش یافته است ولی در مناسک فردی نمره بالایی دارند. البته نتیجه به عمل آمده دال بر سکولار شدن افراد نیست، چراکه اگر با توجه به نظر برگر حتی سکولار شدن را به عدم انجام مناسک دینی تعبیر کنیم، باز هم "سکولار شدن جامعه لزوماً به سکولار شدن افراد نمی‌انجامد." (برگر، ۱۳۷۷؛ ۲۴)

در زمینه مراسم جمعی عبادی، به نظر می‌رسد که این میزان بالای ۹۰ درصد از "مؤمنین مسجد نرو" پدیده جدیدی در ایران است که نشان دهنده گسترش نگرش‌های شخصی‌تر نسبت به دین در جامعه است. این عدم شرکت در مراسم عمومی می‌تواند نشانه‌ای از کاهش نفوذ نهادهای سنتی دین بر نسل جدید هم باشد و هر دو را ممکن است بتوان به قدرت یافتن نیروهای سکولارکننده در سطح جامعه تعبیر کرد. (سراج‌زاده، ۱۳۷۷؛ ۱۱۶)

و نیک پی می‌گوید که:

این روند فردی شدن و مدرن شدن اعتقادات باعث شده که افراد، نه تنها به یک نهاد تکیه نکنند بلکه پژوهش‌های تجربی نشان داده است که اشخاص به سراغ منابع مختلف می‌روند تا پشتوانه‌ای برای هویت دینی خویش کسب کنند. (نیک پی، ۱۳۷۹؛ ۲۹)

همچنین تعارض‌های نهادی و ساختاری که در چالش با مسائل سیاسی و حکومتی در دین به وجود می‌آید، شکل‌گیری قرائت‌های جدید از دین را دامن می‌زند و از قدرت باز تولید هماهنگ و همانند دین در عرصه تک‌گفتمانی، در قالب گروه‌ها و

انجمن‌های دینی می‌کاهد؛ که البته همه این موارد معلول جامعه‌پذیری ناموفق می‌باشند؛ چون وقتی عوامل اجتماعی کننده در جامعه بسیار و دانش و قرائت‌های دینی فراوان باشد، موجب ابهام در نقش نهادی می‌گردد و فردگرایی شکل می‌گیرد و سؤال "من کیستم؟" مطرح می‌شود. مشکلی که گفتیم ما نیز در مناسک دینی با آن مواجه هستیم، عیناً بدین صورت است. خصوصاً شدن دین، از طرفی باعث می‌شود که مردم به دنبال چیزهایی بروند که در صحنه عمومی ممنوع یا مطرود شده‌اند و از طرفی دیگر، نشانه سرپوش نهادن بر کردارهای جمعی دینی افراط آمیز است.

۲- مؤلفه ضرورت انتخاب دینی و وضعیت دین‌داری قلب‌پاکان: خصوصی و فردی شدن دین یعنی هر کس خود حق دارد نوع دین‌داری خود را انتخاب کند؛ اما به ویژه از سوی نسل جدید، نباید پنداشته شود که هر انتخابی ممکن و راحت است بلکه افرادی که تعهد دینی خاصی دارند نیز انتخاب‌گری‌های دیگر را خارج از موازین و معیارهای دینی خویش می‌بینند و از خود مقاومت نشان می‌دهند. برگر می‌گویند که انتخابی شدن نوع دین‌داری باعث می‌شود که دین جایگاه و مناسبات خود را حتی در میان اقشار بسیار غیر مذهبی باز یابد. مؤید این نکته وضعیتی است که از آن به نام دین‌داری "قلب‌پاکان" نام می‌بریم. پاسخگویان در جواب سؤال "بعضی‌ها معتقدند دین‌داری به قلب پاک است و لو اینکه اعمال مذهبی (نماز، روزه و...) را انجام ندهند شما با این نظر چقدر موافقت می‌کنید؟" ۴۰ درصد نظر خیلی مخالف، ۱۱ درصد مخالف، ۱۴/۵ درصد متوسط، ۱۰ درصد موافق و ۲۳ درصد خیلی موافق داشتند. با احتساب ضریب همبستگی پیرسون، (جدول ۷) میان کسانی که اظهار نموده‌اند قلب آن‌ها پاک است، با دین‌داری آن‌ها یک رابطه معنی‌دار منفی مشاهده می‌شود بدین صورت که این افراد خود را لزوماً مقید به برخی اعمال دینی نمی‌دانند؛ که این نوع دین‌داری، در جای خود، نوعی شکل‌ورزی دینی جدید می‌باشد.

جدول ۷: ضریب همبستگی بین دین‌داری و انجام اعمال دینی

تگرش پاسخگویان به انجام اعمال دینی	دین‌داری پاسخگویان
مقدار $r = ۰/۳۹$	ضریب همبستگی پیرسون
سطح معنی دار $p = ۰/۰۰۰$	

در راستای ضرورت آسمانی بودن دین‌داری و انجام اعمال و فرایض دینی، دو رویکرد تبیینی وجود دارد: ۱- رویکرد سنتی (تغییر)؛ ۲- رویکرد ثبات.

رویکرد ثبات: این رویکرد بر تفاوت‌های نسبی دوره‌ها تاکید می‌کند و تفاوت دین‌داری جوانان و بزرگسالان را به خاطر تفاوت در زمانه و شرایط جامعه‌پذیری آن‌ها می‌داند؛ که علی‌رغم افزایش سن، دو سنبل کم و بیش با هم متفاوت می‌مانند.

رویکرد تغییر: این رویکرد، سستی در اعتقادات و پیوندهای دینی جوانان را ناشی از اقتضائات سنی دوران جوانی می‌داند و معتقد است که با سپری شدن دوره نوجوانی افراد، ارزش‌های نرمال جامعه از جمله ارزش‌های دینی را مجدداً می‌پذیرند. بر اساس این تبیین، پایین بودن سطح گرایش دینی نوجوانان در مقایسه با گروه‌های میانسال و بزرگسال را نمی‌توان نشانه‌ای از کاهش قدرت دین دانست؛ زیرا با گذشت زمان، آنان خود سالمند می‌شوند و گرایش دینی قوی‌تری می‌یابند. (سراج زاده، ص ۳) مشوید این رویکرد، نتایج به دست آمده از پاسخ‌گویی به گزینه "ازدواج و داشتن همسر باعث رعایت بیشتر احکام و مسایل دینی‌ام شد" می‌باشد که نشانگر رابطه مثبت دین‌داری و رعایت میانگین نظر دانشجویان پسر، در این رابطه بیشتر از دختران است.

۳- مؤلفه خواست این جهان دین: پاسخگویان در جواب سوال "انسان در این جهان نتیجه بیشتر کارهای زشت و خوب خود را نمی‌بیند؛ نظر شما چیست؟" ۳۴/۵ درصد مخالف، ۲۹ درصد متوسط، ۵/۵ درصد موافق جواب دادند؛ این رامن نشان دهنده

انتظار افراد از دین و انسان دین دار می باشد. این خواسته های این جهانی، در قالب و جنبه نگهدارندگی فردی و اجتماعی دین معینا می یابد؛ چون به قول برگر، همه از دین انتظار دارند که بتواند در عرصه های اجتماعی به عنوان یک واقعیت اجتماعی الزام آور هنجار آفرینی کند.

یافته دیگر، در مورد انجام جشن های شادی آفرین در کنار مراسم عزاداری است؛ که ۵۸ درصد پاسخگویان موافق، ۱۷/۷ درصد متوسط و ۱۸ درصد مخالف بودند. این امر نشانگر توجه نسل جدید به بُعد شادی آفرینی و تنوع بخشی در دین می باشد. همچنین در یکی از سبوال های باز پرسشنامه، که از پاسخگویان خواسته شد که سه مشخصه یک فرد دین دار را بنویسند، نتایج حاصله نشانگر آن است که پاسخگویان، در دو مقوله به مشخصه های یک فرد دین دار پرداخته اند:

الف- انجام دستورالعمل های اخلاقی و اجتماعی دین:

تعداد پاسخگویان: ۶۶ درصد.

مفاهیم: ایثار و فداکاری ۳/۳ درصد، راستگویی ۹/۵ درصد، بی ریا بودن ۵/۶ درصد، اخلاق خوب ۷ درصد، عفاف و حجاب ۲/۴ درصد، عادل بودن ۱۳ درصد، متفکر و عاقل بودن ۵ درصد، انجام اعمال حسنه ۳ درصد، توجه به دیگران ۶/۵ درصد و نداشتن تعصب ۲ درصد.

ب- انجام فرایض دینی و عبادی:

تعداد پاسخگویان: ۴۴ درصد.

مفاهیم: نماز و روزه ۱۳ درصد، رعایت شرع ۳ درصد، ایمان به خدا ۱۲ درصد، تقوا ۷ درصد، اعتقاد داشتن ۷ درصد، اجتناب از گناه ۷ درصد. در حقیقت، به نظر پاسخگویان، وجود دستورالعمل های اخلاقی و اجتماعی دین در کنار انجام فرایض دینی است که برای آن ها نمود یک فرد دین دار قرار می گیرد. این

نتایج نشانگر توجه پاسخگویان به دین از بُعد اجتماعی و تأثیرگذاری آن در حفظ جامعه است؛ یعنی همان‌کازکردن از خود بیگانگی دین از نظر بزرگسالی. بدین معنا که، وقتی دین فراتر از اراده انسانی می‌نشیند، می‌تواند حفظ‌کننده جامعه و سپری در برابر حوادث و بی‌هنجارتی‌ها باشد و به عنوان ساینانی مقدس نقش آفرینی کند.

وضعیت بی‌شکلی دین‌ورزی

همان‌طور که ذکر شد، با عنایت به نظرات برگزیده سکولاریسم و مؤلفه‌های آن، پلورالیسم، بحران سکولاریسم، احیاگری و جنبش‌های اسلامی و نیز برخی مؤلفه‌های جدیدی که در وضعیت دین‌داری جوانان رخ نموده، مآربه داوری جدیدی در حوزه جامعه‌شناسی دین می‌کشاند. این مؤلفه‌ها، که در تحقیق حاضر به‌طور تجربی به دست آمده است، عبارتند از: فردی و خصوصی شدن دین در میان جوانان، توسعه دین شخصی، توجه کمتر به مناسک جمعی، اولویت بخشی به برخی مراسم و مناسک دینی و بی‌توجهی به برخی دیگر، وضعیت دین‌داری قلب‌پاکان، گسترش انتظارات این جهانی از دین و تنوع در دین‌داری. در واقع، این مؤلفه‌ها نشانه عدم هنجارمندی یکسان در عرصه رفتارها و نگرش‌های دینی می‌باشد؛ و اتحاد یک‌رؤیگر در متناسب و جدید را برای تبیین مسایل و وضعیت دینی جوانان مورد مطالعه، در قالب مفهومی به نام «بی‌شکلی دین‌ورزی» در دوره‌ای که دین‌داری جوانان دچار تحولات شگرفی شده، ناگزیر ساخته است.

در حقیقت، مؤلفه‌های این رؤیگر، با توجه به بحث‌های معرفت‌شناسانه بزرگ درباره شکل‌گیری واقعیت اجتماعی دین و با توجه به تشریح ابعاد سه‌گانه عینی‌سازی، برونی‌سازی و درونی‌سازی دیالکتیک جامعه، به بُعد برونی‌سازی رفتارها و نگرش‌های دینی توسط جوانان می‌پردازد؛ بدین معنا که با توجه به تغییرات و تحولاتی که در جامعه ما شکل گرفته، نسل جدید هم‌اکنون نوعی از دین‌داری را برونی می‌کند که بی‌شکل و

تنوع‌گرا می‌باشد؛ یعنی همان وضعیت پلورالیستی‌ای که برگرمی‌گوید شک‌گرایی را بیشتر از ایمان، و گشودگی شناختی و هنجاری را بیشتر از یک‌دستی تشویق می‌کند. ولی در پس این برونی نمودن‌های دینی، از نمونه سازی‌های مشترکی که به عینی شدن دین ورزی‌های مشترک منجر می‌شود و نیز از بعد دین‌داری تثبیت شده‌ای که آسیب‌شناسی شده باشد، در میان جوانان خبری نیست. در واقع، این مؤلفه‌های دین‌داری جدید موجب ساخت‌شکنی از واقعیت اجتماعی دین شده‌اند و از دین‌داری عینیت یافته و شکل‌گرای سنتی خارج شده؛ به دین ورزی‌های بی‌شکل تبدیل شده‌اند که پشتوانه آرمان‌گرایانه این نوع دین‌ورزی، بیشتر بستگاری فردی است؛ و در صورت "گذار" از این مرحله است که دین‌ورزی هم‌شکل و برخوردار از برونی مشترک نمود می‌یابد و جنبه عینی یافته، موجب ساخت واقعیت اجتماعی دین می‌گردد. فقط در صورت رخداد چنین وضعیتی خواهد بود که ما شاهد رفتارهای بیرونی و معطوف به جمعی خواهیم بود که در مسیر ساختن جامعه‌ای دینی باشد؛ وضعیتی که در آن برای این گفته برگرمی صادق خواهد بود: "دنیا همان قدر مذهبی است که همیشه بوده است."

البته، گرچه وضعیت بی‌شکلی دین‌ورزی موجب به هم ریختگی ساخت سنتی دین‌داری شده است، هرگز آن را از بین نمی‌برد بلکه با چگالی ناپایدار و مبهمش و با ارائه فرصتی بدان، آن را تقویت می‌کند. به عبارتی، کمکی که این مرحله و فقه (تعطیلی) به دین می‌کند مجالی است برای باز تولید و بازسازی مناسب مؤلفه‌های دینی‌ای که از جا کنده شده‌اند و یا نسل جدید به همراه ارزش‌ها و باورهای مدرن آن‌ها را مطرح کرده است. هدف این باز تولید، این است که مرحله گذار تحولات دینی (تبدیل دین ورزی‌های بی‌شکل به دین‌داری عینیت یافته) با خسارات و ضایعات کمتری طی شود و هنجارهای نهادی شده مشترک و عمومی در سطح جامعه ترسیم گردد و نظام هنجارمند و مشخصی بر رفتار اکثریت دینی‌ای که سعی در برپایی سبانی مقدس و الزام آور دارند، حاکم باشد. در حقیقت، قرار گرفتن در این وضعیت دینی موجب بروز تعارض‌ها و

اختلاف‌هایی در میان گروه‌های دینی می‌شود؛ ولی باید توجه داشت که جامعه جدید در صدد آن نیست که گروه‌ها و عواملی را که تاکنون جامعه ناهمگون‌اند از میان بردارد، بلکه خواهان این است که آنان نیز در برخورد با عناصر و موقعیت‌های به وجود آمده مناسبات جدیدی را اتخاذ کنند. در این مورد، برگر می‌گوید: "هر جا شرایط اساسی اجازه می‌دهد مباحث زنده‌ای در مورد رابطه اسلام با انواع واقعیت‌های مدرن در جریان است و در این زمینه اختلاف نظری عمیق بین افرادی که همه به یک میزان به احیای اسلام التزام دارند، وجود دارد." (برگر، ۱۳۷۷؛ ۳۱) -

یافته‌هایی که از تحقیقات دیگر به دست آمده، رویکرد "بی‌شکلی دین ورزی" به کارگرفته شده در پژوهش‌های آقای سراج‌زاده را تایید می‌کنند. سراج‌زاده از مولفه‌های دین‌داری دانش‌آموزان دبیرستانی تهران، تحت عنوان "تناقض و ناهمخوانی" یاد می‌کند. با مفاهیمی از قبیل مومنین مسجد نرو، تناقض در اظهار موافقت پاسخگویان در مبارزه با بدحجابی و خرید و فروش الکل از یک سو، و در همان حال موافق بودن با حضور زنان در اماکن ورزشی و اظهار عدم کارآیی قوانین اسلام در جامعه؛ اعتقاد به حقانیت آموزه‌های قرآن از یک سو، و قابل اجرا نداشتن قوانین اسلام در جامعه جدید از سوی دیگر. وی همه این مولفه‌ها را ناشی از تأثیر باورهای مدرن اسلامی دانست. همچنین آقای نیک‌پی، در بررسی تحولات دینی از دین‌داری جوانان با صفت "دین‌داری سکولار" یاد می‌کند. وی در هم‌آمیزی (Syncretix) نظام‌های اعتقادی و مقوله‌های فکری و عقیدتی متعلق به دستگاه‌های گوناگون معرفتی را صفت متمیزه و اصلی دین‌داری‌های سکولار در جوامع مدرن و در حال گذار به دوران تجدید می‌داند. (نیک‌پی، ص ۲۹)

در ضمن، ذکر این نکته بجا است که یکی از مسائل اساسی آسیب‌شناسی رویکرد بی‌شکلی دین ورزی در تبیین وضعیت دین‌داری جوانان، تأثیر آن وضعیت بر جنبه‌های زندگی اجتماعی به ویژه بر اخلاق جمعی می‌باشد؛ که منجر به بی‌شکلی اخلاق جمعی

"در جامعه می‌شود. در واقع، تبدیل شدن به این وضعیت یا شیوع برخی شاخه‌های سستی در برخی از اخلاق‌ها و فعالیت‌های دینی جوانان، باعث شده که بعضی از مسئولین وضعیت دینی آنان را رو به تضعیف و بحرانی تلقی نمایند. از طرفی نیز نتایج تحقیقات محققان در مورد دین‌داری، حکایت از بالا بودن سطح دین‌داری جوانان دارد. همچنین با تشریح رویکرد بی‌شکلی دین‌ورزی، روشن شد که عدم یکسانی هنجارمند و نبود برخی نمونه‌سازی‌های مشترک رفتاری و نگرشی دینی در میان جوانان و عدم همپایی متوقع و پایدار میان انجام فرایض دینی و انجام دستورالعمل‌های اخلاقی و اجتماعی دین‌داری، موجب ابهام در قضاوت‌ها و نگاه‌های متفاوت شده است. ولی مهم آن است که بی‌شکلی دین‌ورزی، انگیزه دینی را تضعیف نمی‌کند. انگیزه دینی یعنی جستجوی معنا؛ که فضای محدود وجود تجربی در این جهان را متعالی می‌کند و ویژگی جاودانه انسان است. برای از بین بردن این انگیزه، ابتدا باید انسان دگرگون شود؛ از این رو انگیزه دینی تاکنون از بین نرفته، و در آینده نزدیک هم احتمال از بین رفتن آن وجود ندارد. (برگر، ۱۳۷۷: ۳۳)

هر تحقیقی که به تحلیل تحولات دین‌داری و بررسی وضعیت دین‌داری افراد جامعه می‌پردازد، با یافته‌هایش وضعیت نگرش‌های موجود در جامعه را دگرگون و از نو بازسازی می‌کند. گرچه تحلیل و تحقیق در مورد خطرهایی که دین را تهدید می‌کند ضرورتی انکارناپذیر است، همین وضعیت کنونی بی‌شکلی دین‌ورزی در جامعه ما، خود فرصت‌های دینی تازه‌ای را پیش می‌کشد که در دوران تحولات دینی تنها امید آینده دین در جامعه به حساب می‌آید. این وضعیت مسایل دینی جدیدی را در پی می‌آورد و از این طریق، به فطرت خداجو و جستجوگر انسان بسته به مقتضیات زمان و مکان پاسخ‌های در خور می‌دهد. به قول برگر، "یک موضوع را می‌توان با اطمینان کامل اظهار داشت و آن این است که کسانی که در تحلیل‌های خود از امور معاصر نقش دین را به حساب نمی‌آورند با این کار خود را به مخاطره می‌اندازند." (برگر، ۱۳۷۷: ۳۴)

توضیحات:

۱- با توجه به اینکه جمع کل میانگین سؤالها $28/3$ می‌باشد میانگین حاصله بر حسب طیف $5/65$ شده است.

۲- در مورد این سؤال با توجه به شکل منفی سؤال بر حسب ارزشی عکس شده است.

منابع و مآخذ:

- آزاد ارمکی، تقی. بنیان‌های جامعه‌شناسی. تهران: انتشارات سیمرخ، ۱۳۷۴.
- المنوفی، کمال. اسلام و توسعه. تهران: مؤسسه پژوهش‌های اجتماعی، انتشارات بيش، ۱۳۷۵.
- الیاده، میرجاد. فرهنگ و دین. ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی. تهران: نشر طرح نو، ۱۳۷۴.
- _____ . دین پژوهی. ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات

فرهنگی، ۱۳۷۲

✓ یونسکو، اوژن. "پایدار کردن جامعه‌ها: جامعه‌پذیری"، ترجمه منصور گودرزی. مجله آموزش رشد

علوم اجتماعی (سال پنجم، زمستان ۱۳۷۲).

ایرونیگ ام و دیگران. آینده بنیانگذاران جامعه‌شناسی. ترجمه غلامعباس توسلی. تهران: انتشارات

قوس، ۱۳۷۳.

اینگلهارت، رونالد. تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی. ترجمه مریم وتر. تهران: انتشارات کویز،

۱۳۷۳.

✓ برگر، پیتر. "بر خلاف جریان". ترجمه سید حسین سراج‌زاده. مجله کیان (شماره ۴۴، ۱۳۷۳).

✓ _____ . "غیر دینی شدن منشاء کثرت‌گرایی است". ترجمه لیلی مصطفوی‌کاشانی. مجله نامه

فرهنگ. (شماره ۲۴، زمستان ۱۳۷۵)

✓ _____ . "تجدد و ناخرسندی‌های آن". ترجمه محمد رضا پور جعفری. مجله ارغنون (شماره ۱۳،

۱۳۷۸).

_____ . افول سکولاریسم. ترجمه افشار امیری. تهران: انتشارات پنگان، ۱۳۸۰.

..... دعوتی به جامعه‌شناسی. ترجمه شهره مهدوی. (بی‌جا): (بی‌تا).

..... و لاکن. ساخت اجتماعی واقعیت. ترجمه فریبرز محمدی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی،

۱۳۷۵.

جلیلی، هادی. بررسی سیر تطور دنیوی شدن در دوران معاصر (گذشته، حال، آینده). (پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی). تهران: دانشکده علوم اجتماعی علامه طباطبائی، ۱۳۷۹.

دواس، دی‌ان. پیمایش در تحقیقات اجتماعی. ترجمه هوشنگ ناییبی. تهران: نشر نی، ۱۳۷۶.

ریترز، جورج. نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: نشر نی، ۱۳۷۴.

..... بنیان‌های جامعه‌شناسی. ترجمه دکتر تقی آزادارمکی. تهران: انتشارات سیمرغ، ۱۳۷۴.

ساروخانی، باقر. روش تحقیق در علوم اجتماعی، ج ۲. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی،

۱۳۷۷.

سراج‌زاده، سید حسین. "نگرش‌ها و رفتارهای دینی نوجوانان و دلالت‌های آن بر سکولار شدن".

فصلنامه نمایه پژوهش (شماره ۷ و ۸، پاییز و زمستان ۱۳۷۷).

سگالن، مارتین. جامعه‌شناسی تاریخی خانواده. ترجمه حمید الیاسی. تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۰.

صباغ‌پور، علی‌اصغر. بررسی نگرش‌های سیاسی - مذهبی جوانان ذکور تهرانی (۱۷ تا ۲۲ سال) و عوامل شکل‌گیری آن. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی). تهران: دانشگاه تربیت مدرس،

۱۳۷۳.

طالبان، محمدرضا. "خانواده، دانشگاه و جامعه‌پذیری مذهبی". نامه علوم اجتماعی (شماره ۱۳، بهار و

تابستان ۱۳۷۸).

علیزاده، عبدالرضا. "جامعه‌شناسی دین". مجله حوزه و دانشگاه (شماره ۸، پاییز ۱۳۷۵).

فراستخواه، مقصود. "داوری‌های جامعه‌شناسی در دین". مجله کیان (شماره ۱۰، آذر و اسفند ۱۳۷۱).

کاظمی‌پور، شهلا. تحرک اجتماعی و مهاجرت در شهر تهران. (پایان‌نامه دوره دکتری جامعه‌شناسی).

تهران: دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۷۴.

کرلینجر، فیودان پدها و رز الازارج. رگرسیون چند متغیری علوم رفتاری. ترجمه حسن سرایی. تهران: مرکز

- نشر. دانشگاهی، ۱۳۶۶.
- کمالی، غلی اکبر؛ بررسی مفهوم جامعه‌پذیری سیاسی. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۴.
- کوژر، لوئیس. زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی، ۱۳۶۸.
- گلچین، مسعود؛ نقش‌بندی اجتماعی و تبیین جامعه‌شناختی جریان اجتماعی کردن نوجوانان در خانواده. (پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی). تهران: دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۸.
- گیدنز، آنتونی. جامعه‌شناسی. ترجمه متوجه‌اصبوری کاشانی. تهران: نشرانی، ۱۳۷۳.
- منصورفر، کریم. روش‌های آماری در علوم اجتماعی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۱.
- محسنی، منوچهر. بررسی آگاهی، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی فرهنگی در تهران. تهران: مرکز پژوهش‌های بنیادی وزارت ارشاد، ۱۳۷۷.
- نیک‌پی، امیر؛ نگاهی به برخی از تحولات دینی ایران معاصر. (چکیده مقالات سمینار بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۲۶ و ۲۷ خرداد ۱۳۷۹).
- ویر، ماکس. اخلاق پروتستان و روحیه سرمایه‌گذاری. ترجمه عبدالکریم رشیدیان و پریسا منوچهری کاشانی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۷.
- همیلتون، ملکم. جامعه‌شناسی دین. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی، ۱۳۷۷.
- Berger, Petel L. *The Social Construction of Reality: A Treatise in The Sociology of Knowledge*. Harmonds Worth Middlesex: Penguin, 1966.
- _____ *The Sacred Canopy: Elements of Sociological Theory of Religion*. Cardenci Ney: douelday, 1967.
- _____ Brigitte Berger, And Hansfried Kellner. *The 'Homless Mine' : Modernization and Consciuness*. Newyork: Random House, 1975.
- _____ *The Social Reality of Religion*. Harmons Worth: Penguin, 1973.

_____ *The Heretical Imperative: Contemporary Possibilities of Religious Affirmation.* Garden city, New York: Anchor Press & Doubleday, 1979.

_____ *From The Crisis of Religion The Crisis Secularity Religion And America Spiritual Life in Asecular Age.* Edite Par: Doulgas Mary Et. Tipton Steven, Boston: Beacon Press, 1983.

_____ *The Desecularization of The World A Global Over View,* *The Review of Religion* 20(2-1), 1999.

_____ *Against The Urrtent: Prospect.* March 1997.

Finney.M. Jhon. *A Theory of Religious Commitment, Sociological Analysis.* 39,1,1978.

Glock, Charles, Y. And Rodney Stark. *Rligion and Society in Tension* Chicago: Rand Ms Nally, 1965.

Mc Guire, M. *Religion: The Social Context.* Wadsworth, 1981.

Myers.M.Cott. *An Interaction of Reliogisity Inheritance.* American Jocio Logical Review, 1991.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی